بسم الله الرحمن الرحیم

چه کسانی در تشییع حضرت زهرا علیها السلام حضور داشتند؟

به اهتمام: محمد علی حمیدی سیستانی

۹ آبان‌ماه ۱۴۰۵ (۲۰ جمادی‌الأول ۱۴۴۸)

www.HamidiSistani.ir

https://t.me/SistaniBook | https://t.me/FeraqLearn

HamidiSistani@gmail.com

دختر پیامبر صلی الله علیه و آله به شهادت رسید و مدینه از تشییع او بی‌خبر ماند. **چه کسانی در تشییع حضرت زهرا علیها السلام حضور داشتند** و چه کسانی عمداً کنار گذاشته شدند؟ پیکر آن حضرت شبانه و با شمار اندکی از نزدیکان به خاک سپرده شد. در این نوشته اسامی شرکت‌کنندگان را از روایات شیعه می‌آوریم و سپس می‌بینیم منابع اهل سنت چه گفته‌اند و چگونه باید خواندشان.

پاسخ کوتاه: بنا بر روایات اهل‌بیت علیهم السلام، امیرالمؤمنین علیه السلام همسرش را غسل داد و شبانه و پنهانی دفن کرد. بنا بر رجال کشی، سلمان، ابوذر، مقداد، عمار و حذیفه بر آن حضرت نماز خواندند. ابن‌شهرآشوب رحمه الله از روایات شیعه نام امام حسن و امام حسین علیهما السلام، عقیل و بریده را هم آورده است. معتبرترین کتاب‌های اهل سنت هم اعتراف دارند که امیرالمؤمنین علیه السلام او را شبانه دفن کرد، خود بر او نماز خواند و به ابوبکر خبر نداد.

علت دفن شبانه حضرت زهرا علیها السلام چه بود؟

علت دفن شبانه حضرت زهرا علیها السلام، وصیت خود آن حضرت بود. شیخ صدوق رحمه الله در «علل الشرائع» بابی با همین عنوان دارد و در آن نقل می‌کند که از امام صادق علیه السلام پرسیده شد: چرا فاطمه علیها السلام شبانه دفن شد و در روز دفن نشد؟ امام فرمودند:

لِأَنَّهَا أَوْصَتْ أَنْ لَا يُصَلِّيَ عَلَيْهَا رِجَالٌ [الرَّجُلَانِ]

«چون وصیت کرد که مردانی [و در نسخه‌ای: آن دو مرد] بر او نماز نخوانند.»[1]

کروشهٔ متن عربی از خود چاپ است و نسخه‌بدل را نشان می‌دهد. علامه مجلسی رحمه الله ذیل این حدیث می‌نویسد که مراد از این مردان، ابوبکر و عمر و پیروان آن دو است[2].

در حدیث دیگری از همان باب، وصیت آن حضرت به امیرالمؤمنین علیه السلام چنین آمده است:

فَإِذَا أَنَا قَضَيْتُ نَحْبِي فَأَخْرِجْنِي مِنْ سَاعَتِكَ أَيَّ سَاعَةٍ كَانَتْ مِنْ لَيْلٍ أَوْ نَهَارٍ وَلَا يَحْضُرَنَّ مِنْ أَعْدَاءِ اللَّهِ وَأَعْدَاءِ رَسُولِهِ لِلصَّلَاةِ عَلَيَّ أَحَدٌ قَالَ عَلِيٌّ [علیه السلام] أَفْعَلُ

«پس هرگاه جان سپردم، همان ساعت، هر ساعتی از شب یا روز که باشد، مرا بیرون ببر، و هیچ‌یک از دشمنان خدا و دشمنان رسولش برای نماز بر من حاضر نشود. علی علیه السلام فرمودند: چنین می‌کنم.»[3]

در ادامهٔ همین حدیث آمده است که امیرالمؤمنین علیه السلام همان ساعت، در دل شب، به وصیت عمل کرد، بر آن حضرت نماز خواند و او را شبانه دفن کرد (همان).

الکافی هم دفن پنهانی را از امام حسین علیه السلام نقل می‌کند:

لَمَّا قُبِضَتْ فَاطِمَةُ [علیها السلام] دَفَنَهَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ سِرّاً وَعَفَا عَلَى مَوْضِعِ قَبْرِهَا...

«چون فاطمه علیها السلام درگذشت، امیرالمؤمنین او را پنهانی به خاک سپرد و نشانهٔ جای قبرش را محو کرد...»[4]

سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام هنگام دفن حضرت زهرا علیها السلام

امیرالمؤمنین علیه السلام پس از دفن، رو به قبر پیامبر صلی الله علیه و آله کرد و با سوز سخن گفت. در همان سخن آمده است:

فَبِعَيْنِ اللَّهِ تُدْفَنُ ابْنَتُكَ سِرّاً وَتُهْضَمُ حَقَّهَا وَتُمْنَعُ إِرْثَهَا وَلَمْ يَتَبَاعَدِ الْعَهْدُ وَلَمْ يَخْلَقْ مِنْكَ الذِّكْرُ

---

۱. علل الشرائع، جلد ۱، صفحهٔ ۱۸۵، باب ۱۴۹، حدیث ۱

۲. بحار الأنوار، جلد ۷۸، صفحهٔ ۲۵۰

۳. علل الشرائع، جلد ۱، صفحهٔ ۱۸۸، باب ۱۴۹، حدیث ۲

۴. الکافي، جلد ۱، صفحهٔ ۴۵۸، حدیث ۳

«خدا می‌بیند که دخترت پنهانی دفن می‌شود، حقش پایمال می‌گردد و از میراثش محروم می‌شود؛ در حالی که هنوز زمانی [از درگذشتت] نگذشته و یادت کهنه نشده است.»[۵]

پس دفن شبانه یک اتفاق ساده نبود. **پیامی اعتراضی بود** که حضرت زهرا علیها السلام با آن تا پایان، نارضایتی خود را از غاصبین حق خود و امیرالمؤمنین علیه السلام ثبت کرد.

۵. الكافي، جلد ۱، صفحهٔ ۴۵۹، حدیث ۳

اسامی تشییع‌کنندگان حضرت زهرا علیها السلام در منابع شیعه

روایات شیعه شرکت‌کنندگان در تشییع حضرت زهرا علیها السلام را در سه گروه نام می‌برند: کسی که غسل داد، یاران خاصی که در نماز حاضر بودند، و دیگر حاضرانی که ابن‌شهرآشوب رحمه الله از روایات شیعه نام برده است.

چه کسی حضرت زهرا علیها السلام را غسل داد؟

امیرالمؤمنین علیه السلام همسرش را غسل داد. مفضل بن عمر می‌گوید از امام صادق علیه السلام دربارهٔ غسل آن حضرت پرسیدم:

مَنْ غَسَلَ فَاطِمَةَ قَالَ ذَاكَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَكَأَنِّي اسْتَعْظَمْتُ ذَلِكَ مِنْ قَوْلِهِ فَقَالَ كَأَنَّكَ ضِقْتَ بِمَا أَخْبَرْتُكَ بِهِ قَالَ فَقُلْتُ قَدْ كَانَ ذَاكَ جُعِلْتُ فِدَاكَ قَالَ فَقَالَ لَا تَضِيقَنَّ فَإِنَّهَا صِدِّيقَةٌ وَلَمْ يَكُنْ يَغْسِلُهَا إِلَّا صِدِّيقٌ أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ مَرْيَمَ لَمْ يَغْسِلْهَا إِلَّا عِيسَى

«چه کسی فاطمه [علیها السلام] را غسل داد؟ فرمودند: امیرالمؤمنین. گویا این سخن ایشان بر من سنگین آمد. فرمودند: گویا از آنچه به تو خبر دادم، سینه‌ات تنگ شد؟ عرض کردم: آری، فدایت شوم، چنین شد. فرمودند: سینه‌ات تنگ نشود؛ چرا که او صدیقه بود و جز صدیق او را غسل نمی‌داد. آیا نمی‌دانی که مریم را جز عیسی غسل نداد؟»[۶]

علامه مجلسی رحمه الله «صدیقه» را در اینجا به معنای معصوم دانسته و نوشته است: معصوم را، مرد باشد یا زن، جز معصوم غسل نمی‌دهد[۷]. شیخ صدوق و شیخ طوسی رحمهما الله هم این روایت را آورده‌اند[۸]. علامه محمدتقی مجلسی رحمه الله ذیل روایت الفقیه همین نکته را گفته است که معصوم را جز معصوم غسل نمی‌دهد[۹].

اسماء بنت عمیس و نخستین تابوت

نقش اسماء بنت عمیس در روایات شیعه، ساختن تابوت آن حضرت به خواست خود اوست. شیخ طوسی رحمه الله از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند:

اول نعش أحدث في الاسلام نعش فاطمة علیها السلام إنها اشتكت شكوتها التي قبضت فيها وقالت لاسماء اني نحلت وذهب لحمي ألا تجعلي لي شيئا يسترني؟

«نخستین تابوتی که در اسلام ساخته شد، تابوت فاطمه علیها السلام بود. آن حضرت در بیماری‌ای که در آن درگذشت، به اسماء فرمود: من لاغر شده‌ام و گوشت بدنم آب شده است؛ آیا چیزی برایم نمی‌سازی که مرا بپوشاند؟»[۱۰]

---

۶. الكافي، جلد ۱، صفحهٔ ۴۵۹، حدیث ۴

۷. مرآة العقول، جلد ۵، صفحهٔ ۳۴۲

۸. من لا يحضره الفقيه، جلد ۱، صفحهٔ ۱۴۲، حدیث ۳۹۹؛ تهذيب الأحكام، جلد ۱، صفحهٔ ۴۴۰، حدیث ۶۷

۹. روضة المتقين، جلد ۱، صفحهٔ ۳۷۱

۱۰. تهذيب الأحكام، جلد ۱، صفحهٔ ۴۶۹، حدیث ۱۸۵

اسـماء گفت در حبشـه چنین چیزی دیده اسـت و آن را سـاخت. آن حضـرت فرمود: «إصـنعي لي مثله استريني سترك الله من النار»؛ مانند آن را برایم بساز؛ مرا بپوشان، خدا تو را از آتش بپوشاند (همان). شیخ صدوق رحمه‌الله هم از امام صادق علیه‌السلام نقل می‌کند که نخستین کسی که برایش تابوت ساخته شد، حضرت فاطمه علیهاالسلام بود[11].

اصحاب خاص: سلمان، ابوذر، مقداد، عمار و حذیفه

امام باقر علیه‌السلام از پدران بزرگوارشان از امیرالمؤمنین علیه‌السلام نقل می‌کنند که آن حضرت هفت تن را برشمردند که روزی و یاری و باران به برکت آنان است، و از جملهٔ آنان سلمان فارسی، مقداد، ابوذر، عمار و حذیفه رحمهم‌الله را نام بردند. در پایان آمده است:

و كان علي علیه‌السلام يقول: و أنا امامهم، و هم الذين صلوا على فاطمة علیهاالسلام

«و علی علیه‌السلام می‌فرمودند: من امام آنانم، و آنان کسانی‌اند که بر فاطمه علیهاالسلام نماز خواندند.»[12]

دیگر حاضران به نقل ابن‌شهرآشوب رحمه‌الله: امام حسن و امام حسین علیهماالسلام، عقیل و بریده

«مناقب آل أبي طالب علیهم‌السلام» ابن‌شـهرآشـوب رحمه‌الله کتابی آمیخته اسـت. مؤلف خود در مقدمه گفته که از کتاب‌های اهل سنت و شیعه با هم برگزیده است: «فاستصوبت من عيون كتب العامة والخاصة معا»[13]. پس نقل‌های این کتاب فقط وقتی در شمار منابع شیعه می‌آیند که خود او بگوید از روایات شیعه است. گزارش زیر چنین است، چون با تعبیر «وفي رواياتنا» (در روایات ما) آغاز می‌شود:

وفي رواياتنا انه صـلى عليها أمير المؤمنين والحسـن والحسـين وعقيل وسـلمان وأبو ذر والمقداد وعمار وبريدة

«در روایات ما آمده است که امیرالمؤمنین، حسن، حسین، عقیل، سلمان، ابوذر، مقداد، عمار و بریده بر او نماز خواندند.»[14]

ابن‌شهرآشوب رحمه‌الله این فهرست را بدون سند آورده است، ولی هستهٔ آن، یعنی حضور امیرالمؤمنین علیه‌السلام و یاران خاص، با سند در الکافی و رجال کشی آمده است. او پس از این فهرست، از «روایتی» نام عباس و فضل و از «روایتی» دیگر نام حذیفه و ابن‌مسعود را هم افزوده است، بی‌آنکه روشن کند این دو روایت شیعی‌اند[15]. **قرینه‌ها نشان می‌دهد که این دو را احتمالاً از منابع اهل سنت گرفته است:** نام عباس و فضل در طبقات ابن سعد و تاریخ طبری آمده، و نام ابن‌مسعود در نقلی از طریق عامه که در ادامه می‌آید.

---

۱۱. من لا يحضره الفقيه، جلد ۱، صفحهٔ ۱۹۴، حدیث ۵۹۷

۱۲. اختيار معرفة الرجال، جلد ۱، صفحات ۳۳ و ۳۴، حدیث ۱۳

۱۳. مناقب آل أبي طالب، جلد ۱، صفحهٔ ۶

۱۴. مناقب آل أبي طالب، جلد ۳، صفحهٔ ۱۳۷

۱۵. مناقب آل أبي طالب، جلد ۳، صفحات ۱۳۷ و ۱۳۸

روایت الخصال از طریق عامه و جایگاه آن

شیخ صدوق ﷺ همین مضمون را در «الخصال» هم آورده است، و در فهرست او نام عبدالله بن مسعود هم هست:

أَبُو ذَرٍّ وَسَلْمَانُ وَالْمِقْدَادُ وَعَمَّارٌ وَحُذَيْفَةُ وَعَبْدُ اللَّهِ بْنُ مَسْعُودٍ قَالَ عَلِيٌّ [عليه السلام] وَأَنَا إِمَامُهُمْ وَهُمُ الَّذِينَ شَهِدُوا الصَّلَاةَ عَلَى فَاطِمَةَ [عليها السلام]

«ابوذر، سلمان، مقداد، عمار، حذیفه و عبدالله بن مسعود. علی علیه السلام فرمودند: و من امام آنانم، و آنان کسانی‌اند که در نماز بر فاطمه علیها السلام حاضر شدند.»[۱۶]

اما شیخ صدوق ﷺ این حدیث را زیر عنوان «ما روي من طريق العامة» آورده است، یعنی سند آن از طریق اهل سنت است. **از این رو این نقل را دیدیم، ولی در شمار روایات معتبر شیعه نیاوردیم**، و نام عبدالله بن مسعود را هم به روایات شیعه نسبت ندادیم.

این روایات به این معنا نیست که فقط همین افراد در تشییع حضرت زهرا علیها السلام حضور داشته‌اند، و حضور دیگرانی مانند حضرت زینب علیها السلام را نفی نمی‌کند. آنچه از آن‌ها به‌طور قطعی برمی‌آید، تنها این است که دشمنان خدا و کسانی که بر حضرت زهرا علیها السلام ستم کردند، در این واقعه حاضر نبودند.

---

۱۶. الخصال، جلد ۲، صفحهٔ ۳۶۱، حدیث ۵۰

تشییع حضرت زهرا علیها السلام در منابع اهل سنت

منابع اهل سنت برای شیعه مأخذ شناخت حقیقت نیستند. این نکتهٔ روشی را پیش از هر نقلی باید گفت. حقیقت ماجرای حضرت زهرا علیها السلام را باید از روایات اهل‌بیت علیهم السلام گرفت. به تعبیر مشهور، «اهل البیت أدری بما في البیت»؛ اهل خانه از همه به آنچه در خانه گذشته آگاه‌ترند.

مورخان و محدثان اهل سنت این اخبار را با جانب‌داری اعتقادی نقل کرده‌اند. آن‌ها دربارهٔ غاصبان خلافت و کسانی که به حضرت زهرا علیها السلام ستم کردند، گاه سکوت کرده‌اند، گاه خبر را کوتاه کرده‌اند و گاه آن را به سود باور خود تأویل کرده‌اند. پس این منابع را باید با دیدی نقادانه و بدبینانه خواند. **فایدهٔ آن‌ها برای ما «احتجاج» است**، یعنی استدلال بر طرف مقابل با منابعی که خودش پذیرفته است. فایدهٔ علمی مستقلی برای شیعه ندارند. دربارهٔ حدود نقل این روایات و جایگاه احتجاج به آن‌ها، در یادداشت « روایات مخالفان در فضائل اهل‌بیت علیهم السلام؛ حدود نقل و جایگاه احتجاج» به تفصیل سخن گفته‌ایم.

با این نگاه، اعتراف این منابع ارزش بیشتری پیدا می‌کند. وقتی کتابی با این گرایش ناچار شود بخشی از حقیقت را بگوید، آن بخش بر خود آن‌ها حجت است.

حضرت زهرا علیها السلام در صحیح بخاری: دفن شبانه و بی‌خبری ابوبکر

بخاری از عایشه نقل می‌کند که حضرت زهرا علیها السلام میراثش را از ابوبکر خواست و ابوبکر نداد. سپس غضب آن حضرت بر ابوبکر و دفن شبانهٔ او را چنین گزارش می‌کند:

فَوَجَدَتْ فَاطِمَةُ عَلَى أَبِي بَكْرٍ فِي ذَلِكَ، فَهَجَرَتْهُ فَلَمْ تُكَلِّمْهُ حَتَّى تُوُفِّيَتْ... فَلَمَّا تُوُفِّيَتْ دَفَنَهَا زَوْجُهَا عَلِيٌّ لَيْلًا، وَلَمْ يُؤْذِنْ بِهَا أَبَا بَكْرٍ وَصَلَّى عَلَيْهَا

«فاطمه علیها السلام از این کار بر ابوبکر خشمگین شد، از او دوری گزید و تا هنگام درگذشت با او سخن نگفت... چون درگذشت، همسرش علی علیه السلام او را شبانه به خاک سپرد، به ابوبکر خبر نداد و خود بر او نماز خواند.»[۱۷]

مسلم همین را آورده و تصریح کرده است: «وَصَلَّى عَلَيْهَا عَلِيٌّ»، یعنی علی علیه السلام بر او نماز خواند[۱۸]. حاکم نیشابوری هم آن را با این عبارت نقل کرده است:

وَلَمْ يَشْعُرْ بِهَا أَبُو بَكْرٍ حَتَّى دُفِنَتْ، وَصَلَّى عَلَيْهَا عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ

«و ابوبکر تا هنگامی که [فاطمه علیها السلام] دفن شد، از [درگذشت] او باخبر نشد، و علی بن ابی‌طالب علیه السلام بر او نماز خواند.»[۱۹]

---

۱۷. صحیح البخاري، جلد ۵، صفحهٔ ۱۳۹، حدیث ۴۲۴۰ و ۴۲۴۱

۱۸. صحیح مسلم، جلد ۵، صفحات ۱۵۳ و ۱۵۴، حدیث ۱۷۵۹

۱۹. المستدرك علی الصحیحین، جلد ۳، صفحهٔ ۱۷۸، حدیث ۴۷۶۴

در خود صحیح بخاری، ماجرای فدک و قهر حضرت زهرا علیها السلام در دو جای دیگر هم آمده است، ولی در آنجا سخنی از دفن شبانه و بی‌خبری ابوبکر نیست[۲۰].

عباس، فضل و اسماء در طبقات ابن سعد، تاریخ طبری و دیگران

ابن سعد چند گزارش دربارهٔ دفن آورده است. از جمله:

نزل في حفرة فاطمة العباس وعلي والفضل

«عباس، علی علیه السلام و فضل [بن عباس] در قبر فاطمه علیها السلام پایین رفتند.»[۲۱]

در همانجا به نقل از عروه آمده است که امیرالمؤمنین علیه السلام بر آن حضرت نماز خواند، و از چند طریق نقل شده که او شبانه دفن شد و امیرالمؤمنین علیه السلام دفنش کرد (همان). طبری هم گفته است: «دخل قبرها العباس وعلي والفضل بن العباس»؛ عباس و علی علیه السلام و فضل بن عباس داخل قبرش شدند[۲۲].

دربارهٔ غسل، این منابع از اسماء بنت عمیس هم نام می‌برند. بیهقی از اسماء نقل می‌کند که حضرت زهرا علیها السلام وصیت کرد همسرش او را غسل دهد، «فَغَسَّلَهَا هُوَ وَأَسْمَاءُ بِنْتُ عُمَيْسٍ»؛ پس او و اسماء بنت عمیس غسلش دادند[۲۳]. خطیب بغدادی هم از زبان اسماء نقل می‌کند: «وَغَسَّلْتُهَا عَلَيْهِ أَنَا وَعَلِيٌّ»؛ من و علی علیه السلام او را بر آن [تابوت] غسل دادیم[۲۴]. ابن عبدالبر نیز نوشته است: «وصلى عليها علي بن أبي طالب، وهو الذي غسلها مع أسماء بنت عميس»؛ علی بن ابی‌طالب علیه السلام بر او نماز خواند و همو بود که همراه اسماء بنت عمیس غسلش داد[۲۵]. طبری هم غسل را به امیرالمؤمنین علیه السلام و اسماء نسبت داده است[۲۶].

چرا گزارش اهل سنت از شهادت حضرت زهرا علیها السلام را باید نقادانه خواند؟

جانب‌داری اعتقادی در نقل همین ماجرا آشکارا اثر گذاشته است. نمونه‌های زیر این را نشان می‌دهد، و جالب اینکه نقد بیشترشان از زبان خود عالمان رجال اهل سنت است.

۱. **ساختن خبر نماز ابوبکر بر حضرت زهرا علیها السلام**: خبری ساخته شد که ابوبکر و عمر و گروهی بسیار شبانه آمدند و ابوبکر بر آن حضرت نماز خواند. ذهبی آن را از جملهٔ «مصائب»، یعنی روایات رسوا و بی‌پایه‌ای، شمرده که القدامی از قول مالک ساخته است: «أتى عن مالك بمصائب»[۲۷]. یکی از راویان این خبر نزد

---

۲۰. صحيح البخاري، جلد ۴، صفحهٔ ۷۹، حدیث ۳۰۹۲ و ۳۰۹۳؛ جلد ۸، صفحهٔ ۱۴۹، حدیث ۶۷۲۵ و ۶۷۲۶

۲۱. الطبقات الکبری، جلد ۸، صفحهٔ ۲۹

۲۲. تاریخ الطبري، جلد ۳، صفحهٔ ۲۴۱

۲۳. السنن الکبری، جلد ۳، صفحهٔ ۵۵۶، حدیث ۶۶۶۱

۲۴. موضح أوهام الجمع والتفریق، جلد ۲، صفحهٔ ۴۶۴

۲۵. الاستیعاب، جلد ۴، صفحهٔ ۱۸۹۸

۲۶. تاریخ الطبري، جلد ۳، صفحهٔ ۲۴۰

۲۷. میزان الاعتدال، جلد ۲، صفحهٔ ۴۸۸

ابن‌عدی، محمد بن ولید قلانسی است. خطیب بغدادی دربارهٔ او از ابوحاتم نقل می‌کند: «لم یکن بصدوق» (راستگو نبود). از دارقطنی هم نقل می‌کند که او «ضعیف» است[۲۸].

۲. **گزارش‌های ضعیف و منقطع:** ابن حجر دربارهٔ گزارش شعبی که می‌گوید ابوبکر بر آن حضرت نماز خواند، نوشته است: «فیه ضعف وانقطاع». دربارهٔ خبر منسوب به مالک هم می‌گوید آن را «بعض المتروکین» (برخی راویان متروک‌الحدیث) نقل کرده‌اند و دارقطنی و ابن‌عدی سست و بی‌پایه‌اش دانسته‌اند[۲۹].

۳. **خبر ابن‌عمر از طریق فرات بن سائب:** ابن‌اعرابی در «معجم» خود، از طریق شبابة بن سوار، از فرات بن سائب، از میمون بن مهران، از ابن‌عمر، خبری آورده که در آن آمده است: «وَصَلَّى أَبُو بَكْرٍ عَلَى فَاطِمَةَ بِنْتِ النَّبِيِّ ﷺ فَكَبَّرَ عَلَيْهَا أَرْبَعًا»[۳۰]. ابن‌عساکر هم همین خبر را از طریق ابن‌اعرابی نقل کرده است[۳۱]. اما فرات بن سائب نزد خود عالمان اهل سنت متروک است. نسائی دربارهٔ او می‌گوید: «متروك الحديث»[۳۲]. دارقطنی هم پس از نقل خبری دیگر از همین طریق می‌نویسد: «إنما هو فرات بن السائب متروك الحديث»[۳۳]. اَلبانی نیز او را «متروک» دانسته است[۳۴]. زرقانی هم داوری ابن حجر را دربارهٔ خبرهای نماز ابوبکر تکرار کرده و بلافاصله حدیث بخاری را در برابر آن آورده است[۳۵].

۴. **تعارض با آنچه بخاری و مسلم بر آن اتفاق دارند:** همهٔ این خبرها با حدیثی در تعارض‌اند که بخاری و مسلم هر دو آورده‌اند: امیرالمؤمنین ﷺ به ابوبکر خبر نداد و خود بر آن حضرت نماز خواند. و نزد خود اهل سنت، آنچه بخاری و مسلم بر آن اتفاق کرده‌اند، قطعی است. ابن صلاح می‌نویسد:

وَهَذَا الْقِسْمُ جَمِيعُهُ مَقْطُوعٌ بِصِحَّتِهِ وَالْعِلْمُ الْيَقِينِيُّ النَّظَرِيُّ وَاقِعٌ بِهِ

«همهٔ این قسم [روایات] (یعنی آنچه بخاری و مسلم بر آن اتفاق دارند) صحتش قطعی است و علم یقینی نظری به آن حاصل می‌شود.»[۳۶]

ابن حجر هم پذیرفته شدن کتاب‌های بخاری و مسلم از سوی عالمان را از قرائنی شمرده که خبر را به علم می‌رساند و نوشته است: «وهذا التلقي وحده أقوى في إفادة العلم من مجرد كثرة الطرق القاصرة عن التواتر»؛

---

۲۸. تاریخ بغداد، جلد ۴، صفحات ۱۰۱ و ۱۰۲

۲۹. الإصابة، جلد ۸، صفحهٔ ۲۶۷

۳۰. معجم ابن الأعرابي، جلد ۱، صفحهٔ ۵۳، حدیث ۵۷

۳۱. تاریخ دمشق، جلد ۷، صفحهٔ ۴۵۸

۳۲. الضعفاء والمتروكون، جلد ۱، صفحهٔ ۸۷، ش ۴۸۸

۳۳. سنن الدارقطني، جلد ۲، صفحهٔ ۴۳۳، حدیث ۱۸۱۸

۳۴. سلسلة الأحاديث الضعيفة، جلد ۸، صفحهٔ ۳۳۱، حدیث ۳۸۶۹

۳۵. شرح الزرقاني على المواهب، جلد ۴، صفحهٔ ۳۳۹

۳۶. مقدمة ابن الصلاح، جلد ۱، صفحهٔ ۲۸

همین پذیرش به‌تنهایی در رساندن به علم، از کثرت طریق‌هایی که به تواتر نرسیده‌اند قوی‌تر است[۳۷]. او این حکم را به حدیث‌هایی محدود کرده که حافظان نقدشان نکرده باشند. پس بنا بر مبنای خودشان، خبری که بخاری و مسلم بر آن اتفاق دارند، در برابر خبرهایی قرار می‌گیرد که راویانشان متروک‌اند و جایی برای تکیه بر آن‌ها نمی‌ماند.

۵. **تأویل برخلاف صریح متن:** ابن حجر در شرح همان حدیث بخاری احتمال داده است که امیرالمؤمنین علیه‌السلام به ابوبکر خبر نداد چون گمان می‌کرد خبر از او پنهان نمی‌ماند. سپس گفته است:

وَلَيْسَ فِي الْخَبَرِ مَا يَدُلُّ عَلَى أَنَّ أَبَا بَكْرٍ لَمْ يَعْلَمْ بِمَوْتِهَا وَلَا صَلَّى عَلَيْهَا

«در این خبر چیزی نیست که نشان دهد ابوبکر از درگذشت او باخبر نشد یا بر او نماز نخواند.»[۳۸]

این تأویل با عبارت صریح حاکم («ابوبکر تا هنگام دفن باخبر نشد») و عبارت مسلم («علی علیه‌السلام بر او نماز خواند») سازگار نیست. با وصیت آن حضرت در «علل الشرائع» هم نمی‌سازد.

۶. **گزارش «رضایت»:** ابن سعد و ذهبی از شعبی نقل کرده‌اند که ابوبکر در بیماری حضرت زهرا علیهاالسلام به دیدارش رفت، عذر خواست و آن حضرت از او راضی شد[۳۹]. شعبی خود در آن زمان حاضر نبوده است و خبرش مرسل است، یعنی واسطهٔ میان او و ماجرا در سند نیامده. این خبر با گزارش صحیح بخاری هم نمی‌سازد که آن حضرت «تا هنگام درگذشت با او سخن نگفت». روایت اهل‌بیت علیهم‌السلام درست برعکس است. در «علل الشرائع» آمده که آن حضرت به ابوبکر و عمر فرمود:

وَاللَّهِ لَا أُكَلِّمُكُمَا مِنْ رَأْسِي كَلِمَةً حَتَّى أَلْقَى رَبِّي فَأَشْكُوَكُمَا بِمَا صَنَعْتُمَا بِي وَارْتَكَبْتُمَا مِنِّي

«به خدا سوگند، تا پروردگارم را دیدار کنم یک کلمه هم با شما سخن نمی‌گویم، تا از آنچه با من کردید و بر من روا داشتید نزد او شکایت کنم.»[۴۰]

این نمونه‌ها نشان می‌دهد که **حقیقت در این منابع، اگر هم آمده، لابه‌لای سکوت و تأویل آمده است.** آنچه از آن‌ها برای ما می‌ماند، اعترافی است که بر خودشان حجت است.

---

۳۷. نزهة النظر، جلد ۱، صفحات ۹۹ و ۱۰۰

۳۸. فتح الباري، جلد ۷، صفحهٔ ۴۹۴

۳۹. الطبقات الكبرى، جلد ۸، صفحهٔ ۲۷؛ سير أعلام النبلاء، جلد ۲، صفحهٔ ۱۲۹

۴۰. علل الشرائع، جلد ۱، صفحهٔ ۱۸۷، باب ۱۴۹، حدیث ۲

پرسش‌های رایج

چند نفر در تشییع جنازه حضرت زهرا علیها السلام شرکت کردند؟

روایات عدد قطعی نمی‌دهند، ولی همه از جمعی اندک خبر می‌دهند. رجال کشی امیرالمؤمنین علیه السلام و پنج تن از یاران را نام می‌برد، و فهرستی که ابن‌شهرآشوب رحمه الله از روایات شیعه آورده، نه نفر را.

آیا زبیر در تشییع جنازه حضرت زهرا علیها السلام بود؟

نام زبیر در هیچ‌یک از روایات شیعه‌ای که در این نوشته آمد، نیست. ابن‌شهرآشوب رحمه الله از «تاریخ طبری» نقل کرده که جز عباس، امیرالمؤمنین علیه السلام، مقداد و زبیر کسی حاضر نبود، ولی این عبارت در چاپ موجود تاریخ طبری یافت نشد. طبری فقط از عباس، امیرالمؤمنین علیه السلام و فضل نام برده است.

آیا ابوبکر بر حضرت زهرا علیها السلام نماز خواند؟

خیر. صحیح بخاری و صحیح مسلم تصریح دارند که امیرالمؤمنین علیه السلام به ابوبکر خبر نداد و خود بر آن حضرت نماز خواند. خبرهای خلاف آن را خود عالمان رجال اهل سنت، مانند ذهبی، ابن حجر، دارقطنی و ابن‌عدی، ساختگی، ضعیف یا منقطع دانسته‌اند.

چه کسانی حضرت زهرا علیها السلام را غسل دادند؟

امیرالمؤمنین علیه السلام. امام صادق علیه السلام فرمودند صدیقه را جز صدیق غسل نمی‌دهد[۴۱]. منابع اهل سنت نام اسماء بنت عمیس را هم در غسل آورده‌اند. در روایات شیعه، نقش اسماء ساختن تابوت آن حضرت است.

---

۴۱. الكافي، جلد ۱، صفحهٔ ۴۵۹، حدیث ۴؛ من لا یحضره الفقیه، جلد ۱، صفحهٔ ۱۴۲، حدیث ۳۹۹؛ تهذیب الأحکام، جلد ۱، صفحهٔ ۴۴۰، حدیث ۶۷

جمع‌بندی

- علت دفن شبانه حضرت زهرا علیها السلام وصیت خود او بود، تا کسانی که به او ستم کردند، یعنی دشمنان خدا و رسولش صلی الله علیه و آله، بر پیکرش نماز نخوانند.
- بنا بر روایات شیعه، امیرالمؤمنین علیه السلام او را غسل داد، بر او نماز خواند و شبانه دفنش کرد. سلمان، ابوذر، مقداد، عمار و حذیفه بر او نماز خواندند و ابن‌شهرآشوب رحمه الله از روایات شیعه نام امام حسن و امام حسین علیهما السلام، عقیل و بریده را هم آورده است.
- این روایات حضور دیگرانی مانند حضرت زینب علیها السلام را نفی نمی‌کنند؛ آنچه قطعی است، عدم حضور دشمنان خدا و ستمگران بر حضرت زهرا علیها السلام در این واقعه است.
- منابع اهل سنت برای شیعه مأخذ حقیقت نیستند و باید نقادانه خوانده شوند. با این حال، بخاری و مسلم و حاکم اعتراف کرده‌اند که ابوبکر از تشییع بی‌خبر ماند و امیرالمؤمنین علیه السلام بر آن حضرت نماز خواند.

سلام خدا بر بانویی که مظلومانه زیست و پنهانی به خاک سپرده شد.

مصادر

الكافي (شيخ كلينى رحمه الله)، ط. الإسلامية

من لا يحضره الفقيه (شيخ صدوق رحمه الله)، ط. جامعه مدرسين قم

تهذيب الأحكام (شيخ طوسى رحمه الله)، ط. الإسلامية

علل الشرائع (شيخ صدوق رحمه الله)، ط. المكتبة الحيدرية

الخصال (شيخ صدوق رحمه الله)، ط. جامعه مدرسين قم

اختيار معرفة الرجال (شيخ طوسى رحمه الله)، ط. مؤسسة آل البيت عليهم السلام

مناقب آل أبي طالب عليهم السلام (ابن‌شهرآشوب رحمه الله)، ط. المكتبة الحيدرية

مرآة العقول (علامه مجلسى رحمه الله)، ط. دار الكتب الإسلامية

روضة المتقين (علامه محمدتقى مجلسى رحمه الله)، ط. القديمة - كوشانپور

بحار الأنوار (علامه مجلسى رحمه الله)، ط. دار إحياء التراث

صحيح البخاري (بخارى)، ط. السلطانية

صحيح مسلم (مسلم نيشابورى)، ط. التركية

المستدرك على الصحيحين (حاكم نيشابورى)، ط. دار الكتب العلمية

الطبقات الكبرى (ابن سعد)، ط. دار صادر

تاريخ الطبري (محمد بن جرير طبرى)، ط. دار المعارف

السنن الكبرى (بيهقى)، ط. دار الكتب العلمية

الاستيعاب (ابن عبدالبر)، تحقيق البجاوي

تاريخ بغداد (خطيب بغدادى)، ط. دار الكتب العلمية

موضح أوهام الجمع والتفريق (خطيب بغدادى)، ط. دار المعرفة

ميزان الاعتدال (ذهبى)، ط. دار المعرفة

سير أعلام النبلاء (ذهبى)، ط. الرسالة

فتح الباري (ابن حجر عسقلانى)، ط. السلفية

الإصابة (ابن حجر عسقلانى)، ط. دار الكتب العلمية

نزهة النظر (ابن حجر عسقلانى)، ط. مطبعة سفير بالرياض

معجم ابن الأعرابي (ابن اعرابى)، ط. ابن الجوزي

تاريخ دمشق (ابن عساكر)، ط. دار الفكر

الضعفاء والمتروكون (نسائى)، ط. دار الوعي

سنن الدارقطني (دارقطنى)، ط. مؤسسة الرسالة

سلسلة الأحاديث الضعيفة (اَلبانى)، ط. مكتبة المعارف، الرياض
شرح الزرقاني على المواهب (زرقانى)، ط. دار الكتب العلمية
مقدمة ابن الصلاح (ابن صلاح)، تحقيق عتر